

## نقش طالبان بر تولید و تجارت مواد مخدر در افغانستان

محسن امینی نسب\* / نوذر شفیعی\*\* / حسن شفیعی\*\*\* / سکینه ببری گنبد\*\*\*\*

### چکیده

افغانستان بزرگ‌ترین تولیدکننده مواد مخدر در جهان است و علیرغم اینکه کشوری است که محصور در خشکی بوده و فاقد منابع و ذخایر معدنی است ولی با وجود این شرایط، در منطقه از جایگاه مهمی برخوردار است؛ از جمله همسایگی با قدرت‌های جهانی مثل چین و روسیه و مجاورت با قفقاز که افغانستان را به یکی از مناطق مهم برای دستیابی به اهداف گروه‌های تروریستی و کشورهای هم‌چون آمریکا تبدیل کرده است. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی نقش گروه تروریستی طالبان در حمایت از تولید خشخاش و مواد مخدر در افغانستان پرداخته است. در افغانستان گروه‌های تروریستی مختلفی فعالیت می‌کنند. اکثر این گروه‌های تروریستی از درآمدهای به دست آمده از تولید و قاچاق مواد مخدر در راستای اهداف تروریستی خود استفاده می‌کنند. مهم‌ترین گروه‌های تروریستی فعال در افغانستان طالبان، داعش و القاعده هستند که در این پژوهش، ضمن اشاره به نقش گروه تروریستی طالبان در حمایت از تولید خشخاش و مواد مخدر در افغانستان و میزان زمین‌های زیر کشت خشخاش در مناطق تحت کنترل این گروه، تأثیر تجارت مواد مخدر بر فعالیت طالبان در افغانستان تبیین و مورد بررسی علمی قرار خواهد گرفت.

### کلید واژه‌ها

تروریسم، مواد مخدر، گروه تروریستی، نارکوتروریسم.

\* دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

mohsenamini13500@gmail.com

\*\* استادیار گروه روابط بین‌الملل، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

shafiee2@hotmail.com

\*\*\* استادیار گروه روابط بین‌الملل، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

hasanshafiee362@gmail.com

\*\*\*\* استادیار گروه روابط بین‌الملل، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

sb.iau2015@gmail.com



## مقدمه

در افغانستان گروه‌های تروریستی مختلفی فعالیت می‌کنند. اکثر این گروه‌های تروریستی از درآمدهای به دست آمده از تولید و قاچاق مواد مخدر در راستای اهداف تروریستی خود استفاده می‌کنند. مهم‌ترین گروه‌های تروریستی فعال در افغانستان طالبان، داعش و القاعده هستند که در این پژوهش، ضمن اشاره به نقش گروه تروریستی طالبان در حمایت از تولید خشخاش و مواد مخدر در افغانستان و میزان زمین‌های زیر کشت خشخاش در مناطق تحت کنترل این گروه، تأثیر تجارت مواد مخدر بر فعالیت طالبان در افغانستان تبیین و مورد بررسی علمی قرار خواهد گرفت.

طالبان جهت تأمین هزینه‌های خود به منابع مالی زیادی نیاز دارد که یکی از مهم‌ترین این منابع، کشت خشخاش و تولید مواد مخدر سنتی و صنعتی می‌باشد. طالبان برای ادامه فعالیت‌های خود نیازمند منابع مالی می‌باشد. اگرچه گفته می‌شود که پاکستان و برخی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس مهم‌ترین منابع مالی طالبان هستند، اما مشکلات پاکستان در ارتباط با آمریکا و کاهش یا قطع کمک‌های این کشور به اسلام‌آباد، باعث شده طالبان توجه بیشتری به تولید و قاچاق مواد مخدر برای تأمین مالی فعالیت‌های خویش نشان دهد. نهایتاً به نظر می‌رسد ادامه فعالیت گروه‌های تروریستی مانند داعش، طالبان، القاعده و... و کشت خشخاش و تولید مواد مخدر در افغانستان لازم و ملزوم یکدیگر هستند.

## بحث نظری

مکتب کپنهاگ اصطلاحی است که بیل مک سوئینی برای آثار و دیدگاه‌های باری بوزان، ال ویور، دو ویلد و برخی دیگر به کار برده است. این مکتب تنها رهیافتی است که فقط مبتنی بر مطالعات امنیتی و جزء اولین رهیافت‌هایی است که در راستای پایه‌گذاری جایگاهی مستقل برای مطالعات امنیتی تلاش کرده است. مکتب کپنهاگ مطالعات امنیتی را از مطالعات راهبردی تفکیک کرده و آن را زیر مجموعه روابط بین‌الملل و مطالعات راهبردی را نیز زیر مجموعه مطالعات امنیتی قرار داده است (عبدالله خانی، ۱۳۸۹: ۱۱۳).

نظریه‌پردازان مکتب کپنهاگ عقیده دارند در دنیای پس از جنگ سرد، گسترده شدن موضوعات امنیتی و همچنین ورود بازیگران غیردولتی به عرصه تعاملات بین‌المللی ایجاب می‌کند برداشت‌های سنتی خود از امنیت را تغییر داده و با نگرشی جدید، موضوع‌های امنیتی

را در نظر بگیریم. مکتب کپنهاگ امنیت را از جنبه‌های گوناگون مورد مطالعه قرار داده است؛ اما در برخی جنبه‌ها بیشتر متمرکز شده و در بعضی نیز مبتکر و طراح آن بوده است. (walt, 1991: 211-239)

مکتب کپنهاگ از جمله مکاتبی است که با ارائه‌ی تعریف موسع و چندبعدی از مفهوم امنیت و توجه به سطح تحلیل منطقه‌ای از جایگاه برجسته‌ای در عرصه‌ی علم مطالعات امنیتی در طی دو دهه‌ی اخیر برخوردار شده است.

در مکتب کپنهاک امنیت در پنج بعد نظامی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و زیست‌محیطی تقسیم‌بندی می‌شود. البته از دید بوزان ابعاد پنج‌گانه امنیت از یکدیگر جدا نیستند و آن‌ها در یک وابستگی متقابل به سر می‌برند. تأمین یک بعد از امنیت مستلزم پرداختن و تأمین دیگر ابعاد امنیت است. در صورتی که یکی از ابعاد امنیت از بین رفته یا مخدوش گردد، می‌تواند سایر ابعاد امنیت را تحت‌الشعاع خود قرار دهد.

با توجه به موارد فوق می‌توان بیان نمود فعالیت گروه‌های تروریستی و تجارت مواد مخدر در افغانستان بر شاخص‌های پنج‌گانه امنیت نظامی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و زیست‌محیطی این کشور اثرات فراوان گذاشته است.

از نظر این مکتب، در عین چند بُعدی شدن امنیت، تهدیدها دیگر محدود به مرزهای یک کشور نیست و این ناشی از وابستگی متقابل است. دگرگونی در شکل و ماهیت تهدیدها منجر به افزایش وابستگی میان بازیگران نظام بین‌الملل شده است. (Adler, 2008: 120)

مسئله‌ی مواد مخدر و تهدیدزایی آن در این قالب قابل‌بررسی است که هم بر امنیت افغانستان و هم بر کل منطقه و نظام بین‌الملل تأثیر می‌گذارد. در واقع مسأله مواد مخدر در افغانستان نه تنها کل افغانستان، بلکه کشورهای همسایه را نیز تحت تأثیر خود قرار داده و تأثیر بسیاری بر فعالیت گروه‌های تروریستی داشته و این موضوعی است که منحصر به دولت افغانستان نیست.

### تروریسم

در تعریف تروریسم، اتهامات زیادی وجود دارد. به نحوی که هر کشور، تفکر، ایدئولوژی و رویکردی ممکن است گروهی را تروریستی یا صلح‌طلب معرفی کند.

تعاریف زیادی از تروریسم وجود دارد. وزارت دفاع آمریکا در خصوص تروریسم تعریف ذیل را ارائه داده است: «کاربرد غیرقانونی یا تهدید به کاربرد زور یا خشونت بر ضد افراد یا اموال برای مجبور یا مرعوب ساختن حکومت‌ها یا جوامع که اغلب به قصد دستیابی به اهداف سیاسی، مذهبی یا ایدئولوژیک صورت می‌گیرد.» (liqueur, 5)

والتر لاکوئر تروریسم را به معنای استفاده یا تهدید به استفاده از خشونت می‌داند و معتقد است، واژه تروریسم همه نوع خشونت، و نه الزاماً خشونت سیاسی، را در برمی‌گیرد. (عبدالله خانی، ۱۳۸۶: ۵۸-۵۹)

باتوجه به تعاریف متنوع صاحب‌نظران از تروریسم، مشاهده می‌گردد که تا به حال، هیچ تعریف جامعی درباره تروریسم داده نشده است که محققان، متخصصان و صاحب‌نظران این حوزه درباره آن توافق داشته باشند؛ در نتیجه، در تعریف تروریسم وحدت نظری وجود ندارد؛ اما صاحب‌نظران درباره این ویژگی اتفاق نظر دارند که تروریسم همیشه با خشونت یا تهدید به خشونت همراه است. (فیرحی و ظهیری، ۱۳۸۷: ۶۴۸)

در تعاریف متفاوتی که از تروریسم صورت گرفته محورهایی به صورت مشترک وجود دارد: تروریسم با خشونت و ارباب همراه است، تروریسم دارای معنا و پیام است. تروریسم یک پدیده کاملاً سیاسی است، تروریسم دارای عقلانیت سودمحور است. (داود فیرحی، ۱۳۸۵: ۴)

### نارکو تروریسم:

نارکو تروریسم اولین بار از سوی رئیس‌جمهور اسبق پرو در سال ۱۹۸۳ میلادی برای توصیف حملات تروریست گونه علیه پلیس مبارزه با مواد مخدر این کشور به کار برده شد. نارکو تروریسم برای توصیف حملات سوداگران مواد مخدر برای تأثیرگذاری بر سیاست‌های دولت و عدم اجرای قانون به واسطه تهدیدات منظم و استفاده از خشونت استفاده می‌شود. پابلو اسکوبار، قاچاقچی کلمبیایی، یکی از نمونه‌های معروف نارکو تروریسم معرفی گردیده است. (بن شاینت، ۱۳۹۳: ۱۱۳)

در میان انواع تروریسم، نارکو تروریسم با توجه به پیوند آن با مواد مخدر از اهمیت بالایی برخوردار است. پیوند مواد مخدر و گروه‌های تروریستی، اصطلاح "نارکو تروریسم" را ایجاد کرد. نارکو تروریسم بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر شیوع بیشتری پیدا کرد. این اصطلاح ابتدا در آمریکای

لاتین مطرح شد ولی سپس برای مناطقی به کار برده شد که تولید و تجارت مواد مخدر در آن‌ها رواج زیادی دارد. مانند هلال طلائی و مثلث طلائی. (emcdda.europa. 2017) با توجه به ابهام در تعریف تروریسم، رویکرد واحدی در مورد گروه‌های تروریستی وجود ندارد و گروه‌های خشونت‌طلب بسته به دیدگاه‌ها و نظرات مختلف می‌توانند تروریستی باشند یا صرفاً با عنوان گروهی آزادی‌خواه و استقلال‌طلب معرفی شوند. (دردریان، ۱۳۸۲: ۸۶) تعریف تروریسم مواد مخدر را می‌توان به این صورت بیان نمود: تروریسمی که ناظر بر کاربری مواد مخدر به‌منظور تهدید امنیت اجتماعات است و کلیه فعالیت‌های راجع به تولید و توزیع انواع مواد مخدر و روا نگردان را در برمی‌گیرد. تروریسم مواد مخدر را به این دلیل باید جدی گرفت که شکل یک شبکه فراملی بزرگ را به خود گرفته و به همان نسبت به قدرت سیاسی دست یافته است. که در صورت عدم پیشگیری جامع و مانع، کل جامعه را به تباهی خواهد کشید. (ساعد، ۱۳۸۹: ۲۹)

تروریسم مواد مخدر در اثر فعالیت‌های جنایت‌کارانه باندهای مواد مخدر علیه شهروندان عادی یا نیروهای پلیس به‌منظور وادار کردن آنان به آزادسازی قاچاقچیان زندانی و یا انتقام و یا اعمال قدرت به‌منظور کاهش فشارها بر باندهای مواد مخدر پدید آمده و نام‌گذاری شده است. (عبدالله خانی، ۱۳۸۶: ۲۱۸) به‌عنوان مثال می‌توان به گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی از جمله القاعده، طالبان، داعش و... اشاره کرد که هزینه مبارزات و اعمال تروریستی خود را از طریق قاچاق مواد مخدر و همکاری با قاچاقچیان تأمین می‌کنند. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۶: ۲۵۵۹) تروریسم مواد مخدر را به‌عنوان جرائم سازمان‌یافته نیز مطرح کرده‌اند. در این خصوص تعاریف متفاوتی از جرائم سازمان‌یافته وجود دارد که به تعریف پلیس بین‌الملل (اینترپل) که مهم‌ترین تعریف از جرائم سازمان‌یافته می‌باشد اشاره می‌گردد. «هرگونه تشکیلات یا سازمانی که به‌صورت مستمر درگیر فعالیت‌های غیرقانونی است و هدف آن کسب سودهای کلان و غیرقانونی، بدون توجه به مرزهای ملی و بین‌المللی است.» (سهیل زن، ۱۳۸۰: ۹)

طبق تعریف کنوانسیون مقابله با جرائم سازمان‌یافته فراملی، "گروه جرائم سازمان‌یافته یک گروه ساختارمند متشکل از سه نفر یا بیشتر است که برای یک دوره زمانی وجود دارد و با هماهنگی در راستای ارتکاب یک یا چند جرم جدی به‌منظور به دست آوردن منفعت مادی و مالی اقدام می‌کنند." این گروه‌های سازمان‌یافته نیاز به تشکیلات بین‌المللی دارند. این گروه‌ها

به منظور پوشش فعالیت‌ها و عملکردهای مجرمانه خود، ممکن است در دو یا چند کشور عملیات مشترک انجام دهند. (UNODC.2017)

عرصه فعالیت این گروه‌ها بسیار گسترده و وسیع است. این عرصه‌ها شامل، قاچاق مواد مخدر، پول شوئی، قاچاق اسلحه، قاچاق عتیقه، و... می‌شود. مهم‌ترین عرصه فعالیت گروه جرائم سازمان یافته، فعالیت در تجارت مواد مخدر است. برای گروه‌های تروریستی و گروه‌هایی که اقدام در زمره گروه‌های جرائم سازمان یافته گنجانده شده‌اند حفظ درآمدهای به دست آمده بسیار مهم و ضروری است.

بر اساس اعلام شورای مقابله با تجارت غیرقانونی مجمع جهانی اقتصاد، ارزش کلی اقتصاد سایه در سال ۲۰۱۸ بالغ بر ۶۵۰ میلیارد دلار بوده است که اگر پول شوئی هم به آن اضافه شود این مبلغ به ۲ تریلیون دلار افزایش پیدا می‌کند.

در سال ۲۰۰۹ دبیر وقت شورای امنیت اعلام نمود قاچاق مواد مخدر، تهدید علیه ثبات و امنیت منطقه‌ای و جهانی است. شورای امنیت سازمان ملل نیز در دو قطعنامه ۲۱۹۵ و ۲۱۹۹ پیوند میان تروریسم و تجارت مواد مخدر و شبکه‌های غیرقانونی را تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی می‌داند و کشورها را به مبارزه با این گروه‌ها تشویق و ترغیب می‌کند. (UN.org, 2014)

### گروه‌های تروریستی فعال در افغانستان:

گروه‌های تروریستی مختلفی در افغانستان فعالیت دارند که هر کدام ماهیت متفاوتی دارند. در این کشور چهار گروه تروریستی بین‌المللی، منطقه‌ای، پاکستانی و گروه‌های بومی افغانی که حوزه فعالیت آن‌ها به افغانستان محدود می‌شود، حضور دارند. القاعده، طالبان و داعش به‌عنوان گروه‌های تروریستی بین‌المللی محسوب می‌شوند.

کشور افغانستان با داشتن جغرافیای محیطی خاص، شرایط را برای حضور گروه‌های تروریستی آماده کرده است. ترکیبی از فساد، مرزهای بدون کنترل، فقدان قانون و... محیطی مناسب برای فعالیت‌های شبکه‌ای نارکوتروریسم ایجاد نموده است. گروه تروریستی طالبان از تولید و تجارت مواد مخدر برای کسب درآمد و اقدامات تروریستی خود استفاده می‌کنند.

در این مقاله گروه تروریستی طالبان به عنوان اصلی‌ترین گروه‌های تروریستی فعال در افغانستان و نقش آن‌ها در تجارت مواد مخدر به‌صورت خلاصه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

بررسی‌های سازمان ملل در سال ۲۰۱۸ نشان می‌دهد در مناطقی که طالبان دارای قدرت و نفوذ زیادی هستند و در واقع آن مناطق را تحت کنترل خود دارد، میزان تولید مواد مخدر افزایش یافته است. به عنوان مثال در استان‌های هلمند و ننگرهار، که تحت کنترل طالبان و داعش قرار دارد، میزان کشت و تولید خشخاش در سال ۲۰۱۷ نسبت به سال ۲۰۱۶ افزایش چشمگیری داشته است.

## طالبان

طالبان گروه شبه‌نظامی‌ای است که اعضایش ریشه در مدارس دیوبندی مورد حمایت عربستان سعودی و امارات متحده عربی مستقر در پاکستان دارند. هدف طالبان تسلط بر کل افغانستان بود تا مجاهدین را از صحنه سیاسی و امنیتی این کشور خارج کنند. (شیرخانی و سبحانی، ۱۳۹۳: ۲۷)

نهضت طالبان را می‌توان محصول درگیری‌های برآمده از کودتای سوسیالیستی-کمونیستی، سپس تهاجم شوروی در سال ۱۹۷۹ و خستگی مردم از جنگ مداوم و ناامیدی و بی‌بازاری‌شان از رهبران مقاومت دانست که نتوانستند وحدت ایجاد کنند و حکومت باثباتی در افغانستان تشکیل دهند. در اوج جنگ‌های داخلی افغانستان در اکتبر سال ۱۹۹۴ میلادی گروه طالبان وارد سپین بولدک در ولایت قندهار در جنوب این کشور شده و خود را «تحریک اسلامی طلبایی کرام» خواندند. این گروه پس از آن در سال ۱۹۹۶ میلادی کابل پایتخت را تصرف کردند، امارت اسلامی افغانستان را تشکیل دادند و تا سال ۲۰۰۱ میلادی در افغانستان حکومت کردند. طالبان با سوءاستفاده از ناکارآمدی دولت افغانستان و وضعیت نابسامان به لحاظ امنیتی، اقتصادی و معیشتی مردم افغان، با هدف اخراج اشغالگران خارجی و سقوط دولت، بر حملات خود افزوده و در بخش‌های جنوبی افغانستان به پایگاه مردمی دست یافته‌اند. (باقری، ۱۳۸۶: ۲)

رهبر و بنیانگذار طالبان، ملا محمد عمر بود که در سال ۲۰۱۳ در پاکستان از دنیا رفت و ملا اختر محمد منصور، جانشین وی شد. او نیز در سال ۲۰۱۶ در حمله هواپیماهای بدون سرنشین امریکا در ایالات بلوچستان، در خاک پاکستان، کشته شد. در حال حاضر ملاهبت‌الله رهبری طالبان را به عهده دارد.

ملا اختر منصور رهبر پیشین طالبان، قبل از بر عهده گرفتن رهبری این گروه، مسئول بازار مواد مخدر در منطقه «گردی جنگل»، واقع در ایالت بلوچستان پاکستان بود، منطقه‌ای که با

ولایت هلمند هم‌مرز است. این مسائل از جمله عواملی است که باعث شده میزان تولید مواد مخدر رشد داشته باشد. (sigar.mil, 2017)

طالبان به خصوص در جنوب افغانستان به‌طور فزاینده‌ای در بازار مواد مخدر نقش دارند. به دلیل حمایت‌های همه‌جانبه طالبان از کشت و تجارت مواد مخدر، این کشور بزرگ‌ترین تولید کننده تریاک در جهان بوده است. (Glaze, 2011: 50)

کشاورزان محلی می‌دانند، کشت خشخاش بسیار سودآور است. کشاورزان به ازاء هر کیلو تریاک خشک ۱۲۵ دلار دریافت می‌کنند در صورتی که برای همان مقدار گندم فقط ۷/۵ دلار دریافت می‌کنند. (Ibid: 52-51)

درآمد حاصل از تجارت مواد مخدر، طالبان را تقویت می‌کند و آن‌ها را از برنامه خلع سلاح دولت مرکزی دور نگه داشته است. تجارت مواد مخدر برای تأمین مالی طالبان و القاعده، یک تهدید حیاتی برای نیروهای ائتلاف و ثبات ملی افغانستان است.

گرچه طالبان در ابتدا مدعی بودند با تولید مواد مخدر در افغانستان مبارزه می‌کنند، اما بنا به گزارش‌ها، افزون بر کمک‌های خارجی، بخش مهمی از درآمد خود را از راه تولید خشخاش به دست می‌آورند. گزارش‌های سازمان ملل نشان می‌دهد در سال ۱۹۹۶ در مناطق تحت کنترل طالبان بین ۵۵ تا ۵۸ هزار هکتار زمین به کشت خشخاش اختصاص داشته است. درآمد حاصل از این قاچاق به صدها میلیون دلار می‌رسد. (احمدی، ۱۳۸۹: ۱۲۲)

رابطه معنادار و مستقیمی بین میزان درآمد حاصل از تجارت مواد مخدر و فعالیت‌های طالبان وجود دارد؛ چرا که این گروه از مواد مخدر و سود ناشی از آن گذران زندگی می‌کند. در واقع، طرح این موضوع که تروریسم و مواد مخدر دو روی یک سکه هستند یا مواد مخدر بخش قابل‌توجهی از حمایت‌های مالی از طالبان را تشکیل می‌دهد با دلایل واقعی همراه می‌باشد. (واعظی، ۱۳۸۹: ۳۸)

یکی از عوارض مهم سه دهه جنگ، درگیری، نابسامانی اوضاع و نبودن یک حاکمیت قدرتمند در افغانستان، تبدیل شدن این سرزمین به مهد کشت و تولید مواد مخدر و مأمنی برای فعالیت باندهای مافیایی، مواد مخدر بود. آنچه مسلم است، تأمین قسمت بزرگی از نیازهای مالی افراط‌گراها و طالبان از امر قاچاق و تولید مواد مخدر می‌باشد. این موضوع که کشت خشخاش بعد از سقوط طالبان و در شرایط حضور نظامی آمریکا و انگلیس افزایش یافت از طرف سازمان ملل متحد نیز مورد تأیید قرار گرفته است. (جلالی و الماسی، ۱۳۸۹: ۵۲)



کشت خشخاش در سال ۲۰۰۱ از ۸ هزار هکتار به ۲۰۸ هزار هکتار در سال ۲۰۱۶ افزایش یافته است. درآمد حاصل از تریاک به حفظ و بقای طالبان، القاعده و افراط‌گراها کمک قابل ملاحظه‌ای نموده است. بنابراین، تجارت مواد مخدر، منبع اصلی درآمد جنگ‌سالاران و آشوبگرانی است که مناطق مرزی افغانستان و نیز اعضای دولت افغانستان را در کنترل خود دارند. (ستاد مبارزه با مواد مخدر، گاهنامه خبری، ۱۳۹۷)

القاعده، طالبان، رهبران نظامی و مقامات فاسد دولتی از گروه‌های قومی مختلف، از پشتیبانی و گاهی طعمه قرار دادن شبکه قاچاق مواد مخدر سود می‌برند. امروزه طالبان از درآمد حاصل از فروش مواد مخدر برای تأمین هزینه جنگ علیه نیروهای خارجی و دولت افغانستان استفاده می‌کند. به عبارت دیگر، همان‌گونه که امریکا کشت خشخاش را برای ضربه زدن به شوروی ترویج داد، طالبان از آن برای مبارزه با امریکا استفاده می‌کند. در واقع، یکی از دلایل قدرت‌یابی طالبان، تولید مواد مخدر و ترغیب و تهدید کشاورزان از سوی بقایای طالبان است. گروه طالبان معتقد است برای ضربه زدن به امریکا و بیگانگان، کشاورزان باید به کشت خشخاش ادامه دهند. (باقری، ۱۳۸۶: ۱۰۷)

گروه طالبان در سال ۱۹۹۴ اعلان نمودند با کشت و قاچاق مواد مخدر مبارزه می‌کند. اما آن‌ها به‌زودی اهمیت اقتصادی مواد مخدر را درک نمودند. وقتی که قندهار را تصرف کردند، اعلام کردند از کشت کوکنار و تولید تریاک جلوگیری می‌شود. ولی در طی چند ماه طالبان دریافتند که آن‌ها به کشت کوکنار و درآمد حاصل از آن نیاز دارند. طالبان به جمع‌آوری مالیه اسلامی «ذکات» از تمام معامله‌گران تریاک اقدام نمودند. اگر چه بر اساس تعالیم دینی هر مسلمان مکلف است از عواید سالانه خود دو و نیم درصد را به نام ذکات به فقرا و محتاجان بپردازد اما، طالبان بدون توجه به تعالیم اسلامی آن را به ۲۰ درصد افزایش داده بود. (احمد رشید، ۱۳۸۱: ۱۷۵).

برخورد طالبان با مواد مخدر دوپهلوی بوده، آن‌ها ابتدا کشت مواد مخدر را ممنوع و خلاف شریعت دانسته و زمانی که با منافع مالی حاصل از آن آشنا می‌شوند، خود اداره آن را تسهیل نیز می‌کنند. وقتی که آن‌ها در اواخر سال ۱۹۹۴ به طرف هلمند که بزرگ‌ترین منطقه تولید مواد مخدر است حرکت می‌کنند اعلامیه‌ای بر ضد کشت مواد مخدر صادر کرده و مزارع کشت خشخاش را به آتش می‌کشند. در واقع ظهور طالبان در صحنه سیاسی نظامی افغانستان نگرش به تولید مواد مخدر را به دو شکل مطرح نمود. عده‌ای از ترس طالبان دیگر اقدام به کشت

نکردند و عده‌ای دیگر به کشت ادامه دادند (felbed, 2006: 136). البته طالبان نگرش خود را نسبت به کشت خشخاش به سرعت تغییر داد و از تولید آن حمایت کرد. در گزارش‌های سالانه دفتر جرایم و مبارزه با مواد مخدر سازمان ملل و وزارت مبارزه با مواد مخدر افغانستان این نکته بارها یادآوری شده که کشت و قاچاق مواد مخدر در ولایاتی افزایش داشته که گروه طالبان بر بخش‌هایی از آن ولایت کنترل دارد. به عبارت دیگر، میان کشت و قاچاق مواد مخدر و حضور گروه طالبان پیوند مستقیم وجود دارد. به عنوان مثال کشت مواد مخدر در مناطق تحت کنترل طالبان در افغانستان ۶۹ درصد گزارش شده است. در حالی که در مرکز افغانستان که گروه طالبان نفوذ ندارد کشت مواد مخدر تنها ۲ درصد بوده است. ۴۶ درصد تریاک کل افغانستان تنها در ولایت هلمند تولید می‌شود و پس از آن ولایات قندهار، فراه و ننگرهار بیشترین تریاک را تولید می‌کنند که مجموعاً در این چند منطقه ۶۹ درصد تریاک کشور تولید می‌شود. (UNODC, 2017: 69) تقریباً تمامی این استان‌ها تحت کنترل و تصرف طالبان قرار دارند و دولت مرکزی کنترل زیادی بر این مناطق ندارد. به همین دلیل است که کشت خشخاش و تولید مواد مخدر در این مناطق بسیار بیشتر از سایر نقاط افغانستان است.

مالیه صادرات تریاک، مبلغ بزرگ عایداتی و اقتصاد جنگ طالبان را تشکیل می‌دهد. در سال ۲۰۰۰ ادارات مربوط به سازمان ملل متحد، عواید سالانه صادرات مواد مخدر افغانستان را که نصیب طالبان می‌شود ۱,۳۵ میلیارد دلار تخمین زدند. گروه طالبان از عواید ناشی از مواد مخدر، سلاح و مهمات جنگی، خریداری می‌کردند. باقی نیازمندی‌های گروه طالبان نیز از همین عواید تأمین می‌گردید. (UNODC, 2000).

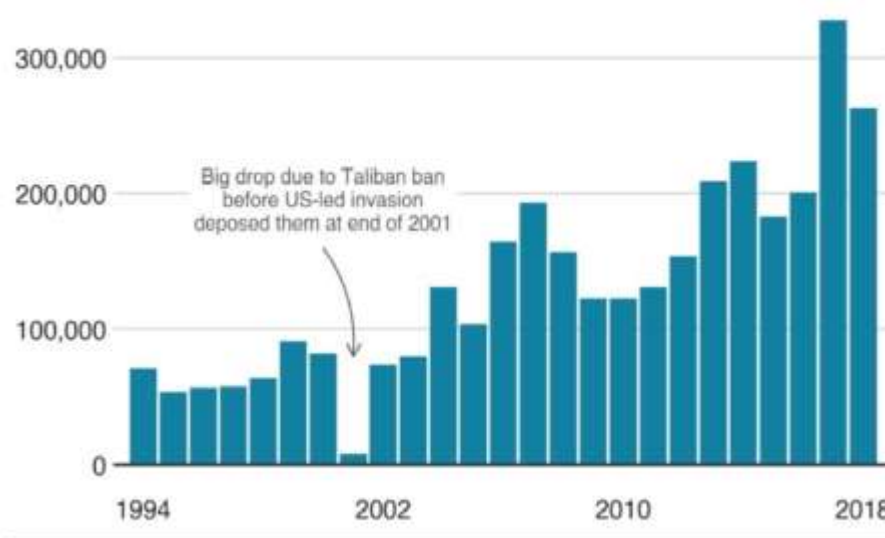
در سال ۲۰۰۱ طالبان اعلام کردند با کشت و تولید مواد مخدر مبارزه می‌کنند. به همین جهت در این سال کمترین میزان تولید و قاچاق مواد مخدر در افغانستان را شاهد هستیم. نمودار ذیل میزان تولید مواد مخدر در افغانستان از سال ۱۹۹۴ تا ۲۰۱۸ نشان داده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌گردد از سال ۱۹۹۴ الی ۲۰۱۸ میلادی فقط در سال ۲۰۰۱ تولید مواد مخدر و خشخاش بسیار کاهش یافته است. البته این کاهش مقطعی بوده و از سال ۲۰۰۲ مجدداً شاهد افزایش میزان تولید هستیم.

نمودار ذیل نشان می‌دهد طالبان نقش بسیار زیادی در کشت خشخاش و تولید مواد مخدر در افغانستان به عهده دارد. زیرا این گروه در سال ۲۰۰۱ کشت خشخاش را غیرقانونی اعلام

## نقش طالبان بر تولید و تجارت مواد مخدر در افغانستان؛ محسن امینی نسب و همکاران

کرد و با تولید مواد مخدر مقابله نمود. به همین دلیل این سال به عنوان تنها سالی بود که میزان کشت خشخاش بسیار کاهش یافت. اما پس از سال ۲۰۰۱ شاهد افزایش میزان تولید مواد مخدر در افغانستان هستیم که نشان می‌دهد طالبان از تولید مواد در افغانستان حمایت کرده و از منافع مالی آن بهره‌مند می‌شود. در واقع زمانی که طالبان از کشت خشخاش و تولید مواد مخدر حمایت کرده میزان تولید مواد مخدر رشد داشته و هنگامی که در سال ۲۰۰۱ با کشت خشخاش مقابله کردند میزان تولید مواد مخدر به شدت کاهش پیدا کرد.

### نمودار میزان تولید مواد مخدر افغانستان - ۱۹۹۴ - ۲۰۱۸



(Source: 2018. UNODC)

بر اساس تخمین سازمان ملل در دهه ۲۰۱۰ دهقانان کمتر از دو درصد عواید تریاک را حاصل می‌کنند. در حدود ۲,۵ درصد نصیب تجار و قاچاق بران افغانی و پاکستانی می‌شود. پنج درصد نصیب قاچاقچیان کشورهای می‌شود که هرئین از داخل آن‌ها به مقصد اروپا و آمریکا عبور داده می‌شود. مابقی عواید به قاچاقچیان و گروه‌های نظامی مانند طالبان و داعش تعلق می‌گیرد. عواید گروه طالبان از تجارت مواد مخدر به میلیون‌ها دلار می‌رسد. پولی که منجر به ریختن خون نیروهای امنیتی و شهروندان بی‌گناه کشورها می‌شود.

بر اساس گزارش دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل در سال ۲۰۱۶ بیشتر آمارهای مربوط به سنجش میزان تولید، سطح زیر کشت، میزان صادرات و... نسبت به سال

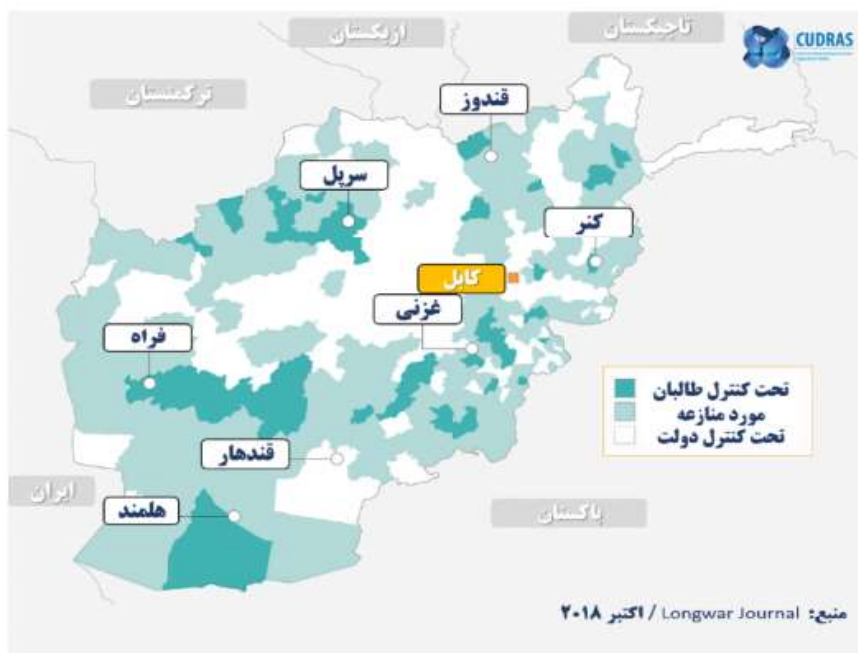
۲۰۱۵ افزایش داشته است. در سال ۲۰۱۵ تخمین زده می‌شود میزان ۷۰۰۰ تن تریاک تولید شده است که با در نظر گرفتن تولید ۶۲۰۰ تن در سال ۲۰۱۴ افزایش میزان تولید مشاهده می‌شود. کل مساحت تحت کشت خشخاش در افغانستان در سال ۲۰۱۶ حدود ۲۲۴۰۰۰ هکتار برآورد شده که نسبت به سال گذشته آن ۷ درصد گسترش داشته است. بر اساس همین گزارش ۹۸ درصد مزارع در جنوب، شرق و غرب افغانستان قرار دارد و در مرکز و شمال تنها ۲ درصد این مزارع قرار دارند. اکثر مناطق تحت کشت در اختیار طالبان و داعش است و حکومت مرکزی در آنجا قدرت ندارد. (UNODC report, 2017)

بر اساس برآوردهای دفتر کنترل مواد مخدر و جرم سازمان ملل، در سال ۲۰۱۶ گروه‌های مسلح غیردولتی در افغانستان به‌جز گروه طالبان، تقریباً ۱۵۰ میلیون دلار از کشت خشخاش و قاچاق مواد مخدر به دست آورده‌اند. در همین گزارش درآمد سالانه طالبان حدود ۴۰۰ میلیون دلار برآورد شده که نیمی از این درآمد حاصل فعالیت‌های غیرقانونی در زمینه مواد مخدر بوده است. (UNODC, 2017) در سال ۲۰۱۷ در مناطقی که تحت کنترل و تسلط طالبان بود نسبت به سال ۲۰۱۶ شاهد افزایش میزان کشت خشخاش و تولید مواد مخدر هستیم.

افزایش میزان کشت خشخاش و تولید مواد مخدر در مناطقی که تحت کنترل طالبان قرار دارد حاکی از حمایت طالبان از روند تولید مواد مخدر است. در نتیجه طالبان هر سال نسبت به سال قبل توان مالی بیشتری جهت ساماندهی برنامه‌های خود پیدا می‌کند. نقاط پررنگ‌تر نقشه فوق تحت کنترل و تسلط طالبان قرار دارند که بر اساس بررسی‌های صورت گرفته توسط سازمان ملل، نسبت به سایر نقاط افغانستان، شاهد افزایش کشت خشخاش می‌باشد.

نقشه ذیل مناطقی را نشان می‌دهد که تحت تسلط طالبان و یا دولت مرکزی افغانستان هستند و یا اینکه مورد منازعه قرار دارند. مقایسه این نقشه با نقشه‌ها و جداولی که در صفحات گذشته ذکر گردید نشان می‌دهد در مناطقی که طالبان تسلط و نفوذ زیادی دارند، میزان کشت خشخاش و تولید مواد مخدر افزایش زیادی داشته ولی در مناطق مرکزی افغانستان که دولت مرکزی تسلط دارد، میزان کشت خشخاش در مقایسه با سایر مناطق افغانستان کم و محدود می‌باشد.

تصویر نقشه مناطق تحت کنترل طالبان، دولت مرکزی و مناطق مورد منازعه - ۲۰۱۸



همان گونه که در نقشه فوق مشاهده می‌شود، و در صفحات گذشته نیز توضیح داده شد، بیشتر مناطقی که در آن‌ها مواد مخدر تولید می‌شود، به عنوان مناطقی هستند که تحت تسلط طالبان، داعش و یا سایر گروه‌های نظامی قرار دارند.

بررسی‌های سازمان ملل در سال ۲۰۱۸ نشان می‌دهد ۱۷ درصد مناطقی که در آن‌ها کشت و تولید خشخاش انجام می‌شود، مالیات خود را به طالبان پرداخت می‌کنند. همچنین ۴ درصد دیگر درآمد خود را به ملاها پرداخت می‌کنند که در نهایت آن نیز در اختیار طالبان قرار می‌گیرد. در نتیجه حدود ۲۱ درصد مالیات مناطقی که در آن‌ها مواد مخدر تولید می‌شود در اختیار طالبان قرار می‌گیرد که این امر باعث تقویت بنیه مالی این گروه می‌گردد. البته لازم به ذکر است در همین گزارش ذکر شده حدود ۵۵ درصد مالیات کشاورزان به گروه‌های ضد حکومت مرکزی افغانستان پرداخت شده که میزان زیادی از این درصد نیز در اختیار طالبان قرار می‌گیرد. نهایتاً بر اساس گزارش سازمان ملل، مشخص کردن میزان دقیق مبلغ به دست آمده از مالیات بر زمین‌های کشاورزی توسط طالبان به دلیل فقدان اطلاعات دقیق دشوار می‌باشد. طالبان در ازای مالیات کشاورزان، از زمین‌های کشت شده تریاک محافظت می‌کنند.

درآمد سالانه این گروه در سال ۲۰۱۱، ۴۰۰ میلیون دلار تخمین زده شده ولی بررسی‌ها نشان می‌دهد در سال ۲۰۱۹ میزان درآمد طالبان در افغانستان احتمالاً ۱/۵ میلیارد دلار بوده که تقریباً تمامی این میزان از راه قاچاق مواد مخدر به دست آمده است. در سال ۲۰۱۸ طالبان حضور فعالی در ۷۰ درصد از افغانستان دارد و از این مناطق مالیات دریافت می‌کند. البته لازم به ذکر است بیشتر این مناطق به عنوان ولایاتی هستند که در آن‌ها کشت و تولید مواد مخدر رونق دارد. (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۹)

جدول ذیل نشان می‌دهد اکثر مناطقی که طالبان در تصرف خود دارند در امر تولید و تجارت مواد مخدر فعالیت دارند. در نقشه ذیل مشاهده می‌گردد حدود ۸۵ درصد مناطق تحت تصرف طالبان در کشت و تولید مواد مخدر فعالیت دارند.

تولید مواد مخدر در مناطق تحت کنترل طالبان بیشتر از سایر مناطق در افغانستان می‌باشد. در جدول ذیل میزان تولید مواد مخدر در شمال، جنوب، شرق و غرب افغانستان بر اساس هر ماه میلادی در سال ۲۰۱۸ نشان داده شده است.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، میزان تولید مواد مخدر در جنوب و غرب افغانستان و حتی استان‌هایی در شمال افغانستان که در اختیار طالبان می‌باشد، بیشتر از سایر مناطق افغانستان است.

جدول ۴-۳: تولید مواد مخدر در ماه‌های سال ۲۰۱۸

	Eastern	Northern	Southern	Western
January	0%	4%	3%	2%
February	1%	0%	0%	0%
March	1%	0%	0%	9%
April	6%	0%	8%	2%
May	10%	4%	37%	6%
June	49%	17%	25%	8%
July	21%	17%	5%	31%
August	7%	41%	3%	2%
September	1%	9%	4%	11%
October	1%	7%	10%	6%
November	1%	2%	2%	20%
December	0%	0%	2%	3%

(Source: Sigar.mil . 2017)

ژنرال جان نیکلسون از فرماندهان آمریکایی در افغانستان اعلام کرد: "ما با طالبان از طریق ضربه زدن به توان مالی آن‌ها و تولید هروئین توسط آن‌ها مقابله می‌کنیم. حدود ۴۰ درصد

منابع مالی طالبان از طریق تجارت مواد مخدر و تولید هروئین به دست می‌آید." (www.bbc.com)

پایان جنگ با طالبان به معنی حل معضل مواد مخدر در افغانستان نخواهد بود. طالبان، با تحمل زیان‌های قابل توجه در میدان نبرد و حملات گسترده علیه فرماندهان ارشد این گروه که باعث تضعیف طالبان شده است، بازهم از زمین‌ها و مناطقی که در آن مواد مخدر کشت می‌شود محافظت می‌کند.

دولت مستقر افغانستان با ویژگی‌های دولت ورشکسته عملاً تبدیل به یک دولت نارکو تروریسم شده است. ارتباط میان طالبان و صنعت تریاک بسیار به هم تنیده شده است. بیش از ۶۲ درصد از قربانیان درگیری‌ها در افغانستان در مناطق جنوبی هلمند، در همان مناطقی روی می‌دهد که عمده کاشت تریاک در آن اتفاق می‌افتد که در اختیار طالبان می‌باشد. نزدیک به ۷۰ درصد از درآمد کاشت و تولید تریاک در دست نیروهای طالبان است و در عین حال این گروه انحصار خرید و فروش اسلحه و تجهیزات نظامی در مناطق تحت کنترل شان را نیز در دست دارند. (ذاکری، ۱۳۹۸: ۳۵)

طالبان برای استخدام یک مرد جنگی حدود ۲۰۰ دلار ماهانه پرداخت می‌کند، در حالی که یک نیروی پلیس افغانی، ماهانه حدود ۷۰ دلار دریافت می‌کند. با این وضعیت مشخص است که در غیاب یک سیستم سیاسی و امنیتی قوی، طالبان تبدیل به مهم‌ترین بازوی اجرایی کشور می‌شود. (sigar.mil, 2018)

طالبان و مواد مخدر لازم و ملزوم یکدیگرند. طالبان از تولید مواد مخدر حمایت می‌کنند و از درآمدهای مواد مخدر در راستای اهداف تروریستی خود استفاده می‌کنند. مواد مخدر در مناطق تحت کنترل طالبان نسبت به سایر نقاط افغانستان رشد بسیار بیشتری دارد. تا زمانی که طالبان و داعش و سایر گروه‌های تروریستی در افغانستان فعالیت دارند، میزان تولید و رشد تجارت مواد مخدر نیز ادامه خواهد داشت.

### نتیجه گیری

تروریسم و مواد مخدر در افغانستان کاملاً با همدیگر ارتباط دارند. مواد مخدر یکی از مهم‌ترین منابع تأمین مالی گروه‌های تروریستی همچون طالبان می‌باشد. به همین دلیل یکی از

مهم‌ترین راهکارهای مبارزه با طالبان و سایر گروه‌های تروریستی در افغانستان، مبارزه با کشت و تولید مواد مخدر می‌باشد.

بررسی‌های موجود نشان می‌دهد زمانی که گروه‌های تروریستی به استان‌های مختلف افغانستان مانند هلمند، قندهار، ننگرهار، ارزگان، فراه و... ورود کرده‌اند، میزان تولید و قاچاق مواد مخدر به شدت افزایش یافته است.

بهترین راهکار مقابله با تروریسم در افغانستان، کاهش یا نابودی میزان کشت و تولید مواد مخدر می‌باشد که می‌توان از ظرفیت سازمان ملل، کشورهای منطقه، سازمان‌های مبارزه با مواد مخدر و کشورهای اروپایی و آمریکا جهت کمک به دولت مرکزی افغانستان استفاده نمود. زیرا دولت مرکزی افغانستان به تنهایی توانایی مقابله با مواد مخدر و گروه‌های تروریستی را ندارد. ادامه کشت و تولید خشخاش در افغانستان به معنای ادامه حیات گروه‌های تروریستی مانند القاعده و طالبان است و نابودی مواد مخدر به معنای نابودی گروه‌های تروریستی فعال در افغانستان می‌باشد.



## فهرست منابع

### الف) منابع فارسی

- احمدرشید، طالبان (۱۳۸۱). **اسلام و بازی بزرگ**، ترجمه اسدالله شفائی و صادق باقری، تهران: دانش هستی.
- احمدی، حمید (۱۳۷۷). «طالبان: ریشه ها، علل ظهور و عوامل رشد»، **اطلاعات سیاسی-اقتصادی**، شماره ۱۳۱ و ۱۳۲.
- اخوان، صفا (۱۳۸۰). **تاریخ شفاهی افغانستان**، تهران: انتشارات وزارت خارجه.
- انصاری، فاروق (۱۳۸۲). **تحولات سیاسی و اجتماعی افغانستان**، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی.
- آژانس خبری پژاک (۱۳۹۶). «رهبر تازه شاخه افغانستان داعش اعلام موجودیت کرد»، ۲۵ اردیبهشت، موجود در: <https://www.pajhwok.com>
- باقری، اسماعیل (۱۳۸۶). «افغانستان و خیزش دوباره طالبان»، **مطالعات راهبردی جهان اسلام**، شماره ۲۹، از صص ۱۰۲ تا ۱۱۵.
- بوالوردی، م (۱۳۹۰). «بررسی تأثیرات تولید مواد مخدر بر دولت ملی افغانستان»، مقاله درج شده در [www.iichsorg/foreign-policy-articles/Barresi-tasirat.docx](http://www.iichsorg/foreign-policy-articles/Barresi-tasirat.docx)
- جنیدی، رضا و ملائی، مسعود (۱۳۹۸). «راهبردهای مبتنی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در مقابله با قدرت هوشمند ایالات متحده آمریکا»، **فصلنامه راهبرد سیاسی**، دوره ۳، شماره ۸، صص ۶۵-۸۹.
- جهانگیری، سعید و اطهری، سید اسدالله (۱۳۹۷). «بررسی تاثیر موقعیت ژئوپلیتیک ایران بر سیاست خارجی (قبل و بعد از انقلاب اسلامی)»، **فصلنامه راهبرد سیاسی**، دوره ۲، شماره ۶، صص ۵۵-۷۷.
- چهرآزاد، سعید (۱۳۹۸). «وانموده های سیاستگذارانه پسا دفاع مقدس در حیطه روابط خارجی ایران»، **فصلنامه مطالعات دفاع مقدس**، سال ۵، شماره ۴، صص ۱۲۷-۱۴۴.
- حاتمی، عباس و رضایی، فاطمه (۱۳۹۸). «تحلیل تطبیقی شیوه های تأمین منابع مالی القاعده و داعش: رهیافتی در اقتصادی سیاسی تروریسم»، **فصلنامه مطالعات اقتصاد سیاسی بین الملل**، شماره ۱.
- خدابخشی، لیلا؛ ازغندی، علیرضا و هرمیداس باوند، داوود (۱۳۹۸). «بررسی مقایسه‌ای راهبرد ایران و عربستان در بحران سوریه با تکیه بر نظریه نوواقع گرایی»، **فصلنامه مطالعات دفاع مقدس**، سال ۵، شماره ۳، صص ۲۱-۴۷.
- دارا، جلیل و خاکی، محسن (۱۳۹۷). «جایگاه شبکه مسلمانان میانه‌رو در اعمال قدرت نرم آمریکا؛ با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه مطالعات قدرت نرم**، دوره ۸، شماره ۱، صص ۵۶-۷۷.

- ذولفقاری، مهدی و دشتی، فرزانه (۱۳۹۷). «مؤلفه‌ها و ظرفیت‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در دیپلماسی فرهنگی»، **فصلنامه مطالعات قدرت نرم**، دوره ۸، شماره ۲، صص ۱۲۷-۱۵۴.
- رشید، احمد رشید (۱۳۸۲). **طالبان**، ترجمه نجله خندق، چاپ اول، تهران: انتشارات بقیه.
- زیبایی نژاد، مریم (۱۳۹۸). «احیای انگاره‌های مهم هویتی در پرتو انقلاب اسلامی ایران»، **فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی**، دوره ۸، شماره ۲۹، صص ۱۸۷-۲۰۶.
- زین، سهیل ال (۱۳۸۰). **جرم بین‌المللی چیست**، ترجمه اداره اطلاع رسانی پلیس بین‌الملل.
- سپهری، یدالله؛ عباسی، مصیب و حسینی آهنگری، سید حسن (۱۳۹۸). «پیامدهای تقابل ایران و آمریکا»، **فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی**، دوره ۸، شماره ۲۹، صص ۱۱۹-۱۳۶.
- طارمی، داوود و محمد علیپور، فریده (۱۳۹۹). «جایگاه ناتو در طراحی استراتژی آمریکا پس از جنگ سرد (با تاکید بر خاورمیانه)»، **فصلنامه راهبرد سیاسی**، بهار، سال چهارم، شماره ۱۲، صص ۶۶-۴۱.
- علوی لنگرودی، سید حسین (۱۳۸۷). «اقتصاد مواد مخدر»، **بانک و اقتصاد**، شماره ۹۵، صص ۶۶ تا ۶۸.
- فیرحی، داوود (۱۳۸۷). «تروریسم؛ تعریف، تاریخچه و رهیافت‌های موجود در تحلیل پدیده تروریسم»، **فصلنامه سیاست**، شماره سوم، دوره سی و هشتم.
- کاظمی، پریسا و بشیری، اکبر (۱۳۹۸). «سازوکارهای تضمین حقوق بنیادین بشر در نظام حقوقی عمومی ایران»، **دو فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی**، دوره ۸، شماره ۱۶، بهار و تابستان، صص ۱۴۰-۱۱۹.
- کبیری، ابوالحسن و کاویانی فر، پیمان (۱۳۹۸). «اولویت‌بندی تهدیدات جمهوری اسلامی ایران از طریق آسیای مرکزی و راهکارهای مقابله با آن»، **فصلنامه مطالعات دفاع مقدس**، دوره ۵، شماره ۴، صص ۷۰-۵۱.
- محروق، فاطمه (۱۳۹۴). «اقتصاد سیاسی تروریسم: مورد داعش»، **فصلنامه روابط خارجی**، شماره چهارم.
- نجفی ابرند آبادی، علی (۱۳۸۶). «درآمدی بر درک جرایم سازمان یافته و مظاهر فراملی آن»، **مجله عصر عدالت**، شماره ۱۳.
- یزدانی، عنایت الله و بدخشانی، مجتبی (۱۳۹۳). «تأثیر تولید و تجارت مواد مخدر بر کاهش امنیت در افغانستان»، **پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل**، سال سوم، شماره ۱، صص ۱۴۰-۱۱۸.

ب) منابع انگلیسی

- Buzan, B., & O. Waever (2013). Macrosecuritisation and security constellations: reconsidering scale in securitisation theory. *Review of International Studies*. 35, 253-276.

FATF REPORT (2015). Financing of the Terrorist Organisation Islamic State in Iraq and the Levant

Katzman, Keneth, Christopher M. Blenchard, Carla E. Humud, Rhoda Margesson, and Matthew C. Weed (2015, November). "The Islamic State Crisis and US Policy", Congressional Research Service.

Kreutzmann, Herman (2007): "Afghanistan and the opium world Market: poppy production and Trade", Iranian Studies Vol. 40, No. 5.

United Nations Office on Drugs and Crime (UNODC) (2010). World Drug Report

From.  
[http://www.unodc.org/documents/wdr/WDR\\_2010/World\\_Drug\\_Report\\_2010\\_lo-res.pdf](http://www.unodc.org/documents/wdr/WDR_2010/World_Drug_Report_2010_lo-res.pdf).

UNODC (2014), "Afghanistan Opium Survey, Cultivation and Production",

UNSC (2014), "Report on Poppy Eradication Verification in.

UNODC (2011). world drug report.

UNODC, Global illicit drug trends (2001). p.30.

UNODC, Global illicit drug trends (2001). p.30.

UNODC.(1995). The Social Impact of Drug Abuse. From

[https://www.unodc.org/pdf/technical\\_series\\_1995-03-01\\_1.pdf](https://www.unodc.org/pdf/technical_series_1995-03-01_1.pdf).

www.whitehouse.gov